

(مطبعه و اداره خانه)

(ده افغان کابل)

سردیر

سید محمد قاسم

همه امور تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

ره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

هر هفته یکبار نشر میشود

واقعه که درج نشود اعاده نمیشود

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

(قیمت سالیانه)
ازوزرا و اعیان دولت بقدر

معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی

و معاونین و وقایع نیکاران (فخری)

رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) رویه کالی در خارجه

نیم بوند انگلیسی با محصول پوسته

از طلاب و محصلین نصف قیمت

ششماهه

داخله خارجه

(۸) رویه (۷) شلنگ

امان افغان

۱۳۳۷ ع

از ابنای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده میشود

قیمت يك شماره يك عباسی

تاریخ قمری (۱۹) محرم (۱۳۴۴) هجری

(۲۱ شنبه)

تاریخ شمسی (۱۸) اردیبهشت ۱۳۰۴ هجری

(هیجان چین)

(۲)

شنکهای و امتیازات اجانب

عمده امتیازات اجانب که تا این وقت از چین گرفته توانسته اند در شنکهای است و این شهر بانوای آن حکم یک مستعمره اروپایی را گرفته است لازم آمد که اولاً اندکی از احوال این شهر بعد از امتیازات اجانب در آن . به قارئین محترم معلومات بدهیم : شنکای یا (شنگی) یا (شنگا) یا (شنکهای) که معنای آن (قریب دریاست) یک فرزند بجزری ولایت (کیانگ سو) یک از شهر های معروف چینی است که قرار معاهده ناخکنگنگ که بین چینی و انگلستان بعد از جنگ ۱۸۴۱-۱۸۴۰ امضاء شده بود . برای تجارت اروپا معین گردید . عدده سکان شنکهای بیشتر از دو میلیون است .

در شنکهای یک ضرابخانه و کارخانه های زیادی برای مشروبات ابریشمی و ساختن پترو های آهنی و شیشه سازی . و کاغذ و ادوات فلزی و طلائی و عاجی موجود است . زمین شنکهای و دیگر ولایات شمالی و جنوبی چین تجارت بزرگی جاری است . مقدار های زیاد چوب . آرد . گوشت . برآوند و پوست از سواحل بحر اصف به شنکهای وارد میشود . و شنکهای بانصف شمالی چین و شهر های ایشیای وسطی علاقه های مهمه دارد . و تجارت ساحلی آن خیلی وسیعست . در یکی از شهر های آن (۳۰۰) کشتی جوکت دارد .

قیمت مالبانی که در سنه ۱۹۱۸ وارد و خارج بندر مذکور شده است بالغ بر (۲۱۷ . ۰۰۰ . ۰۰۰) بوند بود . که مقابل

آن در سنه ۱۹۰۸ (۱۹۰۰ . ۰۰۰ . ۰۰۰) بود . در سنه ۱۹۱۱ در شنکهای ۱۲۷۷ گلدی و ۲۱۷ موزر بوده است و در سنه ۱۹۱۹ تعداد گلدی ۸۲۱ اما تعداد موزر ها به ۱۳۷۸ رسیده بود . از این بیانات گذشته خوب آید میشود که مدنیت اقتصادی و عمرانی در شنکهای به کمال سرعت پیشرفت کرده است . حتی او را پاریس شرق می نامند . حالا به ذکر امتیازات اجنبی رجوع میکنیم : چینی که حکومت چین شنکای را بنام بندر تجارت اروپا تسلیم کرد . حکومت انگلستان (سر جارج بافور) را بسمت قونسولگری در شنکهای معین نمود . سر جارج مذکور برای اقامت رعایای برطانوی یکی از نواحی ناحیه شنکهای را انتخاب نمود . عدده رعایای انگلیس در آنوقت تنها ۲۳ نفر بود که یک قونسولخانه و محل تجارتی و یک کلیسا که آنرا دوقتر قنصل برآستانات اداره می نمودند داشتند . وبعد از آن فرانسویها در شنکهای رسیده او شان نیز رویه انگلیسها را تمقید داشته یک قطعه زمین را قریب ناحیه انگلیسها برای رعایای خود گرفتند و همین منوال امر با کائیمها و سایر اجنبی ها هر کدام که وارد شنکای گردیدند برای سکونت تبعه خود منطقه را گرفتند . تجارت دیگر هر یک مستعمره مستقلی برای خود استحصال کرد . و هر یک از این منطقهها (گذر) بنام مملکتیکه از برای سکونت تبعه خویش قرار داده است . معروفست . مثلاً منطقه انگلیسی . و منطقه فرانسوی . و منطقه برتگالی و هکذا و غالباً کمردیده میشود که یک انگلیس در منطقه فرانسوی اقامت نماید . بلکه هر یک در منطقه مملکت خود اقامت نرین می باشد .

چون عدده رعایای انگلیس در چین زیاد شده تجارت و مصالح آنها همو یافت طووری که بیشتر ذکر نمودیم شروع بگرفتن

امتیازات نمود چنانچه در سنه ۱۸۶۵ حکومت انگلستان يك محكمه بریتانی مخصوص بفرصت فیصله دناوی رعایای انگلیس تشکیل داده جمیع دناوی و قضایای رعایای انگلیس که در چین و جاپان اقامت دارند در آن محکمه حل و فیصله میابد . تشکیل این محکمه در حقیقت آغاز تمتع اجنبی ها بامتیازات مخصوصه در شنکهای گردید . چه مجردیکه انگلیسها آنجا محکمه را تاسیس نمودند بقیه دول اروپائی نیز همین امتیازات را طلب کردند و از محاکمه تبعه خویش در محاکم دیگر غیر از محاکم خودشان ابا کردند . حکومت چین مجبور گردید قبول خواهشات این دول نماید و چونکه در شنکهای نماینده (۱۴) دولت اروپائی موجود است حسب آن ۱۴ محکمه قضائی اجانب است و این محکمه ها علاوه از محاکم مختلطه است که در آن دناوی کسانی که یکی از آنها وطنی باشند دیده میشود و در بین قضات آن یک نفر قاضی چینی هم میباشد . کیفیت تفیذ در این محاکم چینی است که اگر طرفین دناوی از يك جنس باشند مثل انگلیس یا فرانسوی در محکمه انگلیس یا فرانسه دناوی ایشان ملاحظه میشود و اگر مختلف باشند در محکمه مختلطه که منسوب بجنس مدعی علیه است دناوی ایشان حل میگردد . علاوه برین که اجانب از خود محاکم و قضات دارند . مجلس بلدیة شنکهای را هم اجانب اداره و مراقب میکنند . از همه بزرگتر اجانب در شنکهای پولیس مخصوص از خود دارند که نظام مقرر و امن عمومی را در مناطق یا کدوهای اروپائیها و امریکائیها محافظه میکند و نیز هیئت های دیگر دارند برای اداره و تولیت کلیساها و کوجه آب پاشی و تنویر آن در شب و نظیف عجرها و مراقبت بازارها و تشخیص نرخ موادیکه خریده و فروخته میشود . مصارف آن تها و پولیس را وی هم کل اهالی که در کدوهای اجنبیها هستند خواه اجنبی باشند یا وطنی . میردازند . لاکن وطنی هاقق شرکت در اداره و تولیه امور ندارند . اینست حالت شنکهای و امتیازات اجانب در آن گویا که حکومت چین در این شهر و مضافات آن سلب گردیده ملک اروپائیها شده است هکذا در کلیه مملکت چین اجانب دارای امتیازات عمده و مالک منطقه های نفوذ اند که کلیه این امتیازات اجانب و مناطق نفوذ آنان در چین روی هم رفته بچهار قسمت عمده منقسم میشود و مبدأ آن بعد از همان معاهده ایست که عتب « بنک ترک » در (۱۸۴۲) انعقاد یافت :

بعض این امتیازات را اجانب بر اثر اجاره گرفتن بعض بندرگاه ها و تجارت گاه ها بدست آورده اند مثلاً در تیان تسین کیوکیانگ ، کانو ، نیوشانگ و دیگر شهرهای ساحلی که برای تجارت اجانب کشاده شده است . در این شهر اجانب نه تنها يك منطقه نفوذ دارند بلکه در بعض جاها مناطق نفوذشان ۱۲ منطقه میرسد . چنانچه در (تیان تسین) است . کلیه

اقتدارات اجراییه و اداریه و مقتنه و سیاسی در این نقاط اجانب است .
 يك قسمت عمده این امتیازات و نفوذ را . اجانب در دوستانه و قرار مقررات معین از چین حاصل کرده اند . غالب امتیازات آنان در شنکای که پیشتر ذکر یافت . از راه بوده است .
 يك نوع از این امتیازات طوری است که میان اجانب و چین رسماً بران اتفاق حاصل نشده است لاکن اجانب قهراً بدست آورده و بزور يك جارا منطقه خود قرار داده اند و بعد از طالب امتیازات شده اند . مثلاً امتیازات اجانب در فروش و غیرها از همین طریق است و تنظیم این مناطق و صرفیات از طرف چین میشود لاکن همه انواع تسلط و قدرت بدست اجانب بوده چین بیچاره در آن دخلی ندارد .

يك قسم دیگر مناطق نفوذ اجانب در یکین پایتخت مملکت است چنانچه گذر سفارت های خارجه بعد از معاهدات (۱۹۰۴) در داخل مملکت و نفس پایتخت چین از خود حکم تشکیل وقامه های حصین و استحکامات متین انشاء نموده است و اروپائی و جاپانی در آن قیام دارند . ساکنین این گذر و منطقه بزرگ در کلیه امور خویش به هیئت سفراء خارجه و مامورین رجوع میکنند . و نیز راه آهن را که تا (مکدن) رفته است بزور عسکری استیلا نموده موافق میل خود بران حکمرانی دارند . علاوه ازین اکثریه در دیگر امور و شیون داخلی چین و معاملات تجارتی و گمرکی آن اجانب همه وقت موافق میل و خواهشات شان مداخله میکنند و چینی ها بجائی رسیده اند که چاره ندارد جز اینکه در انتظار فرصت باشند برای نجات دادن بلاد خویش و اعاده نظر بر اتفاقاتی که با اجانب سابق ازین شده است اما اروپائیها دارند تمام چین را باین صورت مستعرة خود سازند و برای نیل به مقصد خویش دائماً وادخانه جنگی در روساء و جزایرهای چین تولید مینمایند . و این امتیازات و تسلط اجانب و فعال مایشائی آنان چینی ها را بحدی کلوگیر نموده است که باوجود جهالت و اختلافات داخلی و برهمی او ضاع و درهمی نظامات عموم افراد از اجانب بکلی تفر دارند و همه وقت الفاء امتیازات و برآمدن شان را از چنگ تقاضا میکنند . چندبار بر علیه اجانب شورش کردند . آخر کار را در نشر تعلیم و تبدیل نظام حکومت دیده حکومت جمهوری کردند . اکنون باز به شورش آمده اند .

در اطراف فرار نمودن

سردار محمد عمر خان

سردار محمد عمر خان پسر اعلی حضرت ضیاء الملت والیدین مرحوم که حضور شاهانه محض از روی صفات برگزیده مخصوصه اسلامیه و مولکانه شان نسبت به عموم ذوی القربی و عشیره علی قدر مراتبهم و فضائلهم . اورا بی نهایت توقیر میدهند و احترام میکنند و به مدیریت دایره مامورین وزارت داخله که مهمترین دوائر وزارت مشارالیه است اورا مقرر داشته بودند . بنا بر اصرار و تقاضای متوالیه خودش به پناهه معالجه ختم خویش رخصت چند روزه مسافرت به هند را حاصل کرده در زمان سال گذشته روانه هند گردیدند . بعد از مدتی بین مردم افواها شد که سردار محمد عمر خان از اهت و جلال خاندانی . افتخار قومی و شرف افغانی که نسبت میشد در مقابل خود کامیهای غیر مثلاً آنکه در هندست و هر ذی شعور از آن ننگ و عار دارد . صرف نظر کرده علاقه خود را با خاندان . ملت و وطن قطع داشته و بیل مراجعت به افغانستان ندارد یا به عبارت عوام « فرار کرد » اگر چه نظر به معلومات و مشاهدات ذاتی که نسبت به روحیات و نفسیات سردار مزبور داریم و ایشان را نسبت به بسیار مردم دیگر خوب ترمی شناسیم . بایستی این افواها را تصدیق میکردیم . ولی چون آن همه افتخار آیکه به او نسبت میشد و اجزایات و تکریماتی که از طرف اعلی حضرت غازی در حق او دیده می آمد غور میکردیم . در صدق افواها مذکور شک دست میداد و بقیه تیرت که جناب سردار (ولو... بوده است) اینچنین حرکت سنگ آور را مرتکب بشود و خود را به پیش کلیه شاهزادهگان شرق و یرنس های غرب همچو يك... معرفی نماید ! اما بعد از تحقیقات معلوم شد که افواها مذکور علی الظاهر درست است . در این موقع حسب وظیفه لازم بود که قضیه را نشر میدادیم لاکن بنا بر بعض ملاحظات عجلتاً از آن صرف نظر نمودیم . اول چونکه سردار شرف های میرائی را که باو شان نسبت میشود رعایت نکرد حیثیت يك آدم معمولی را پیدا کردم بلکه فرار نمودن او هیچ و قبی ندارد . دوم اگر چه مدح و ترویج اعمال هر کس مر بوط و راجع به خود اوست . مع ذلک انسان از اعمال نیک و زشت يك کسیکه با او علاقه دارد قلباً متأثر می شود لهذا پسران و دیگر عشیره سردار را زیر نظر گرفته تجدید تذکر دادن واقعه را برای شان مناسب ندیدیم . سوم امید واری بمر اجعت سردار بود چنانچه این امید واری مانع از قطع نشده است چه بسیار مردم از بزرگان و کوچگان مرطبه و صفت به اغوای بعض مردم یاد اثر بعض شکایات فرار

کرده اند امامدنی نگذاشته که یاد وطن و محبت ملت و تکلیفات غربت آنها را فتنیه ساخته دوباره بوطن مراجعت نمودند . مخصوصاً که در این دور قدر وطن . اعتبار و اهمیت آن در سایه مجاهدات اعلی حضرت غور غازی بدرجه های بسیار عالی ارتقا نموده است و محض يك فرد بدین افغانستان مایه بسی افتخارات است . اما به تازه گئی یکی از دوستان از هندوستان وارد شده به موقع ملاقات شان در ضمن صحبت احوال سردار را از او جويا شدیم عزیز موصوف که چند بار سردار را ملاقات کرده و از سر گذشت او بعد از فرار کردن به کلی مسبق بودند معلومات مفصلي در این زمینه بیان کردند . و نیز سواد يك مکتوبی را که سردار به جنرال قونسل افغانی در جواب يك تلگرام وزارت خارجه فرستاده بود وعده دادند که به ما بدهند . بعد از چند روز هرگز فوق الذکر سواد مکتوب سردار را فرستادند . و قتی که مکتوب سردار را ملاحظه نمودیم بسیار تعجب دست داد چون که تا این زمان عقیده داشتیم که سردار برای فرار شدن و ترک وطن نمودن خویش عذری که لا اقل به ظاهر معقولی داشته باشد تراشیده خواهد بود . لاکن از مکتوب مذکور که در ضمن آن تمامی بواعث فرار کردن خود را تذکار نموده است واضح گردید که هر چه درین زمینه می سراید محض سخنان بوج و تصوراتی است که مخیله اش برای او تجسم داده است . پس برای آنکه قارئین محترم از غالی فرار کردن سردار قرار قبول خودش آگاه بشوند و بدانند که همه گفته های او بی مغز و باطل است و معتمدش از فرار کردن غیر ازین نیست که لاقیدانه و شهنوت بر ستانه امرار حیات کند . مکتوب او را در ذیل نقل و تقدیمی بنام ولی قبل از آن . نسبت به حرکات و اوضاع سردار بعد گذاردن او خک افغانستان را خلاصه الحلاصه بیان می نماید که دوست فوق اندک شفاهی بیان نمودند برای زیادت بصیرت مقدم ترمی نویسیم :

سردار محمد عمر خان . چنانچه در بالا ذکر یافت به جهانه . معالجه ختم خود که اولاً قرار معلوم کنائی نداشت و اگر داشته است اطبا ودا کتر های وطنی و مستخدم خارجه که او را مکتوب کردند در کابل موجود است او را دناوی و علاج میشوند . و روانه هند شد . ولی همیشه به پشاور رسیده علی الفور خدمه و بعض متعلقین خودش را رخصت داده است که پس به مملکت مراجعت نمایند .

بعد سردار از بعض مامورین - رحدی انگلیس و حکام محلی خواهش ملاقات نموده است آنها هم سردار را ملاقات کرده اند . در پشاور سردار روزی بعض اشیا ی قبیله را که با خود داشته است

مصارف آرا خودش تهیه کند، پول عین المال شخصی اعلیحضرت اینقدر بسیار نیست که به خرج تفریح و بیباکی مردم در هند صرف شود و اگر بسیار هم باشد چرا بهبودی تندرست شود؟ پول عین المال اعلیحضرت به بسیار تکلیف کفایت معاش و مصارف خودشان را مینماید مع ذلك يك قسمت آن به کارهای خیریه و فقه و دستگیری مستحقین صرف میرسد چنانچه اعاشه اولاد شهدا و يك عده یتیمان را اعلیحضرت متکفل شده اند پول مکتبی فقرای مکتب امانیه و امانی را اعلیحضرت از جیب خود میدهند پس با این مراتب چه طور به سردار برای لپو و لوب و همزه گردی پول میدادند؟ بسیار خوب شد که چیزی نداده بودند. ممکن درین باب علل دیگری باشد که نزد اعلیحضرت معلوم خواهد بود، اینکه نوشته شد حدس خود ما بوده است. بالجملة در مسئله پول اول سردار استحقاق خود را غور نماید که چیست بعد از آن شکایت کند. قطع دارم که بعد ازین بیانات فوق الذکر و ملاحظات دیگری که خود سردار میداند جای شکایت برای او نمائند و قانع بشود.

دوم باعث فرار کردن خود را سردار « خوف بر خود » نشان میدهد چنانچه مینگارد « با اینکه من از بدو جلوس اعلیحضرت شهید از کارهای سیاسی کناره گرفته ام و تاحال به آن مداخله نکرده ام امیر افغانستان از روز اول مرادوست نداشته بنظر خودی تمیید و مترصد بود که مرا به رسم و رسم که بشود زیر محاکمه بیاورد، چنانچه پسرازم برهن جاسوس خفیه مقرر بودند و ازین جهت يك نفس باسراحت نکشیده خیلی بیسک آمدم. بدیهی است که سردار باراده خود از سیاسیات دست نکشیده اند بلکه دست این کار را نداشتند، شخصیکه هوشش مثل سردار باشد فطرت دست او را از سیاسیات کوتاه کرده است لاجرم در وجودیکه ازین ماده هیچ آری نبوده چرا کسی او را ازین رهگذر بنظر بد بیند و چرا اعلیحضرت اراده میکرد که او را به رسم و رسم باشد تحت محاکمه بیاورد؟ جاسوسی پسرازم سردار از روی سخن بسیار مضحک است بعلاوه پسرازم سردار را ما خوب میشناسیم که جوانان باوجدان و باشرفند این رفتار را گاهی مرتکب نمیشوند. بعلاوه نظر به مثل معروف آرا که حساب پاک است از محاسبه چه يك است، وقتاً که سردار به سیاسیات دخلی نداشت و يك آدم صمیمی بود از جاسوسی پسرازم خویش چرا خوف میکرد و نیز مراتب التامیت سردار چرا تا اینجد نزل میکند که پسرازش اقدام میکند به جاسوسی از او؟ این نوهائی است که به ماغ سردار از افسانه هائی قدیم که زنها برای شان

وقت خواب حکایت کرده اند پیدا شده است. اگر کسی بهانه جویند نسبت به سردار بخاطر می بود در همان جمیع نشده است به مقبره برده دفن کردند و رسماً فاتحه گرفتند جلوس اعلیحضرت که سردار از جلال آباد آمده بود ارواح شان خیراتها کردند. با وجود اینکه والده سردار تمام گرفتار و محاکمه می شد که يك موقع خوب برای بهانه جاسوسان خود را قرار تمليك نامشروعی به اعلیحضرت تمليك نموده بود، اما برعکس بجای اینکه سردار مثل بعض مردم در آن وقت جاسوس اعلیحضرت چه از آن نگرفت مقداری از آن را به امور خیریه یا توفیق میشد احترام دید و عزت یافت. چنانچه در موقع نشر این نموده است که نواب جاری مرحومه باشد و مقداری را نگه داشته سردار بحضور شاهانه اعلیحضرت با او معاينه نمودند و فوق العادتی بین میکنم اعلیحضرت بدل دارند که آخر سردار بسر احترام او را بجای آوردند حتی این رویه شاهانه باعث تمسخر و توهین بود يك روز پس بوطن مراجعت میکند آنگاه پول مابقی حاضرین گردیده و اعلیحضرت فرمودند « من این کارهای خود را برای او خواهد داد و از این جهت آن را نگه داشته اند. از دیگران بیشتر دوست داشتم و دارم.

سوم علت فرار کردن خود را سردار « غیر محترم بودن خود » کور محض تبرع و احسان از طرف اعلیحضرت خواهد بود میداند و می نویسد: « با وجودیکه من هم اعلیحضرت لاکن عزیزم که قرار تمليك شرعی ملک او شان شده است نه اینکه مال و توقیر من چنانچه لازم بود کرده نمیشد و همیشه اسباب حقارت ملک سردارست تا به اعتبار آن در هند از کسی قرض نگردد. سردار در افغانستان از خود هیچ ملک و جابجادی که بسیار جای تاسف است عزت و توقیر ازین جهلندتر باشد که اعلیحضرت بدون يك حق و سابقه خدمت و استحقاق از خود نفاس محض است. گذشته به سردار تمخواه معقولی که کفیل حوائج حیاتیه او می شد اکنون قارئین محترم انصاف بدهند که برای سردار همچو میدادند. او را مدیریت مامورین وزارت داخله که از مهم ترین دوائر حکومت بشمار می آید مقرر کردند و در وقت تفرش و در فرمان ماموریت بدست او اعلیحضرت مسئله را بحضور که و هم انشای بعض جهلان معرض سردار را گول زده بهمجه وزرا و مامورین که در بالا باغ حضور داشتند به عبارت ذیل اقدام ناملانم و ادار ساخت. و نظر به احوالیکه دارند این را هم اظهار داشتند، چون که مدیریت مامورین وزارت داخله يك مدیریت بسیار مهمی است که جمله نایب الحکومه ها و حکام ازان دأره مامور می شوند لازم است که در آنجا يك آدم مهم و صاحب شرف و اعتباری باشد برای این امر جناب کا کا صاحب خود (اشاره بطرف سردار) را مناسب و اعتمادی خود دیده مقرر کردیم، در محاسن خصوصی و تفریح اعلیحضرت شرکت داشت. اولادهای او را اعلیحضرت معاش می داد و میدهد. آنها را بکتاب تریه کرد. سه نفر آنان را به او را با پسرازم خود و برادران خود جبهه تحصیل عالی فرستاد. پسردوم او محمد رحیم خان را حکمران يك قطعه مملکت مقرر داشته است. باقی دوم پسرازم او محمد حسن خان و محمد حسین خان از جمله مصاحبان حضور اند، و یکی شان در وزارت داخله به مدیریت معارف و تلفون و تلگراف متمسک است. و همه وقت مشغول عموطف خسروانه اند. با والده سردار تا که حیات بودند سلوک نهایت محترمانه را مرعی میداشتند چون وفات کردند بر جنازه شان اعلیحضرت حاضر شدند و از مرحومه اظهار رضایت نموده اوشان را بسیار تمجید و تحسین کردند و جنازه شان را بطور

در این مورد این نکته قابل اظهار است که اعطای پول سوم علت فرار کردن خود را سردار « غیر محترم بودن خود » کور محض تبرع و احسان از طرف اعلیحضرت خواهد بود میداند و می نویسد: « با وجودیکه من هم اعلیحضرت لاکن عزیزم که قرار تمليك شرعی ملک او شان شده است نه اینکه مال و توقیر من چنانچه لازم بود کرده نمیشد و همیشه اسباب حقارت ملک سردارست تا به اعتبار آن در هند از کسی قرض نگردد. سردار در افغانستان از خود هیچ ملک و جابجادی که بسیار جای تاسف است عزت و توقیر ازین جهلندتر باشد که اعلیحضرت بدون يك حق و سابقه خدمت و استحقاق از خود نفاس محض است. گذشته به سردار تمخواه معقولی که کفیل حوائج حیاتیه او می شد اکنون قارئین محترم انصاف بدهند که برای سردار همچو میدادند. او را مدیریت مامورین وزارت داخله که از مهم ترین دوائر حکومت بشمار می آید مقرر کردند و در وقت تفرش و در فرمان ماموریت بدست او اعلیحضرت مسئله را بحضور که و هم انشای بعض جهلان معرض سردار را گول زده بهمجه وزرا و مامورین که در بالا باغ حضور داشتند به عبارت ذیل اقدام ناملانم و ادار ساخت. و نظر به احوالیکه دارند این را هم اظهار داشتند، چون که مدیریت مامورین وزارت داخله يك مدیریت بسیار مهمی است که جمله نایب الحکومه ها و حکام ازان دأره مامور می شوند لازم است که در آنجا يك آدم مهم و صاحب شرف و اعتباری باشد برای این امر جناب کا کا صاحب خود (اشاره بطرف سردار) را مناسب و اعتمادی خود دیده مقرر کردیم، در محاسن خصوصی و تفریح اعلیحضرت شرکت داشت. اولادهای او را اعلیحضرت معاش می داد و میدهد. آنها را بکتاب تریه کرد. سه نفر آنان را به او را با پسرازم خود و برادران خود جبهه تحصیل عالی فرستاد. پسردوم او محمد رحیم خان را حکمران يك قطعه مملکت مقرر داشته است. باقی دوم پسرازم او محمد حسن خان و محمد حسین خان از جمله مصاحبان حضور اند، و یکی شان در وزارت داخله به مدیریت معارف و تلفون و تلگراف متمسک است. و همه وقت مشغول عموطف خسروانه اند. با والده سردار تا که حیات بودند سلوک نهایت محترمانه را مرعی میداشتند چون وفات کردند بر جنازه شان اعلیحضرت حاضر شدند و از مرحومه اظهار رضایت نموده اوشان را بسیار تمجید و تحسین کردند و جنازه شان را بطور

اگر سردار از وطن فرار و قطع تعلق کرده در هند نماندند و باز دعوائی شرافتمندی میرانی را میکنند! خیالی است بخوانه و کود کانه این شرافتها همان دقیقه که بای سردار از آخرین قطعه خاک افغانستان با این عنزم فرار کردن جدا شده است در همان نقطه آخرین سرحد مانده است حتی شرف انصابت هم امروز با سردار نیست و شاید دعوائی افغانیت کنند علی اگر سردار با صدق دل و عقیدت خالص باز بوطن مراجعت کرده بیاید در همان آن که به اولین نقطه خاک وطن قدم خود را بگذارد شرافتمندی مذکور با او خواهد بود.

جریانات روز عید

بروز عید اول (کوروت دیلو ما نیک) نمائنده های سیاسی دول خارجه برای تبریک عید در قصر دلکشا بحضور ملوکانه مشرف گردیدند بعد از آن ذات شاهانه به اطاق بزرگ قصر موصوف عز و در و ارزانی فرمود، و وزیر صاحب حریبه (ع، ج، ا)، آقای محمد و ایخان کلمات ذیل را بحضور همیونی عرض داشتند: (عرض وزیر صاحب حریبه)

از طرف خود اصالتاً و از طرف دیگر وزیر و امانی دولت

و کالتاً بحضور اعلیحضرت غازی محی ملت افغان عرض تبریکات

عید می نمایم و از خداوند متعال آرزو دارم که برای ما بسیار عید های مبارک و با ترقی را بریزد سایه اعلیحضرت و سلامتی وجود مسعود شاهانه نصیب کند.

(جوابیه ملوکانه)

من از تبریک شما عرض تشکر میکنم از خدای خود میخواهم که برای افغانستان چنان عیدهای باشرف و با ترقی را نصیب کند که از خیال و آرزوی من و از حسنیات من بلند تر باشد.

حقیقتاً عید من آنست که شما ملت را بدرجه که آرزو دارم به بینم و با واسطه اش من باشم. میدانید که خودم چندین طرفدار رسمیات و تفریفات نمیشم اما چون شما حضار محترم مرا بر سمیت این عید تکلیف کردید این عید بصورت رسمی اجرا شد با وجود آن خود داری نکرده از دائره رسمیات بر آمده میخواهم که باشما بغل کشی و دیدن بوسی کرده برای ادای

سالوات بر روی رسمیات نزد من اهمیت ندارد. پس از ختم کلام فوق ذات پادشاهی فرمودند که هیچکس از جای خویش

حرکتی نکند خود من بالذات با همیکدیگر دیده بونی مینامم در این موقع حضور شاهانه بر روی حاضرین را با کمال شغف و محبت بوسیدم

طوری که قبلاً نوشته شده است با تزیین مقرر عید گاه رفتند و بعد از نماز خطبه های عید را قرآنی ایراد نمودند.

خطبه اولی

تکبیر - تحمید - صلوات - تعات

اما بعد عزیزان من اولاً قدری در مسائل و فوائد عید

اضحی و قربانی بیان میکنم بالای هر فرد مسلمان که (۷۰)

رویه کالی زیاده از خرج اصل خود داشته باشد واجبست که قربانی بکند بهترین قربانی ها گوسفند است چرا که نوابش برای

هر هر فرد جدا جدا میرسد و هم گوشانش مفید و بسیار لذیذ است و دیگر گوسفند به بسیار آسانی در هر جا پیدا میشود

و باز برای عموم از خوردن آن ضرر نمیرسد.

البته گاو و شتر نیز قربانی میشود اما بالای شتر کار کرده

میشود و بار میرسد و در قربانی نمودن گاو علاوه از خفه شدن

یکی از بی نوع ما در کشت و زراعت نیز اتصالی پیدا میشود

بنایان کشتن گوسفند ثواب زیاد و فواید بسیار دارد . باید شما گوسفند قربان کنید (قرائت سوره کونر) .

عرض آخرین من اینست که آیا از چه بود که ماسلمان ها در همهجا فاتح و سرفراز ودلاور بودیم و چهکار های مهم را برای اسلامیت و انسانیت میکردیم و حالا از چیست که پریشان میباشیم ؟ معلوم است که واسطه این پریشانی ما مسلمانها جهالت و نادانست . باید در تحصیل علم و عرفان خود ها کوشش کنید تا نور علم و عرفان راه های ترقیات تا را پیدا کنید . در تحصیل مقاصد حقه و ترقیات خودها دلاوران اگر اقدام کنید همیشه کامیاب میشوید بی ! همان نیت مقدس و درد های مسلمانی را که مسلمانان سابق ما در دل داشتند همه چیز را در همه حال از طرف ورود کار خود میدانستند و آن سبب دلاور و وفادار کار بودند . در دل و عمل ما مسلمانان چنانچه شاید و باید موجود نیست بلکه هر چیزیکه خوب باشد آنرا ما مسلمانان طبقه حاضره از تدبیر خود و مخاطرات را که می بینیم از کارهای مهم میدانیم . لهذا فکر شما مسلمانان درین امر باید اینطور باشد که ضرر و نقصان نماند نارضی و اراده خدا نباشد و قتیکه توکل خود را بخدا کردید و خود را بیبنا در میدان های اخذ مقاصد عالی تان داخل کردید همیشه فاتح و کامیاب میباشید . بعضی از مسلمانان که کم دل میشوند عرض میکنند (اذاجه ... الخ) مادامیکه اجل برسد یک لحظه پیش و پس نمیشود پس چرا ما و شما از مرگت بترسیم و دلاور نباشیم و یک خدمت مهم برای وطن خود ننماییم باید بخدمت وطن خود صادق باشیم چرا که حیات و عزت دنیائی و تا یکدرجه عزت و بهبودی آخرت ما هم در خدمت وطن است بنایان هر قدر که در بهبودی و آبادی وطن خود کوشش کنیم منفعت دنیا و آخرت ما زیاده تر خواهد بود . البته یک زمانی خواهد بود که اهالی مملکت عزیز ما برای وطن خود کوشش کنند و یک چیز ترقی را بلندتر بسازند اما درین وقت ابتدائی و بیکی کسی که افغانستان باشخاص خادم و فداکار خیلی محتاج است برای ترقی ملت و وطن خود کوشش کردن اجر عظیم دارد اللهم ربنا آتانا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار

(خطبه دومین)

تکبیر (۳) تمجید - صلوات - نعت

دعا میکنم که الهی مات اسلام را در هر جای که هستند ترقیاتی را که خودت میدانی نصیب شان بنما . الهی عالم اسلام و مات افغانستان را بهترین مات های روی دنیا گردانی - الهی عسکر افغانستان را همیشه فاتح و کامیاب داشته باشی و تمام مامورین افغانستان و کسانی را که برای بهبود و ترقی افغانستان کار میکنند سرفراز دین دنیا داشته باشی و دولت معظم ترک را از خدا خواسته ام که از تمام صدمات محفوظ داشته باشد . الهی برادر

های ایرانی ما را سرفراز و سرفراز داشته باشی و همیشه دشمنان شاز را مغلوب داشته باشی و تمام برادران مسلمان ما هند و مصری چینی عربی و غیره در هر نقطه دنیا که هستند بمطالعه خجسته شان کامیاب و سرفراز دارین داشته در بنام خود آسودن نیکهداری و من عاجز خدمت کار شما ملت را از خدا خواستام . ام تا توفیق بدهد که خدمات خوبی بوطن و ملت خود نمایم

تلافی مافات

- (چون اسمای سامی بعضی از ان ذوات محترم که بدر مکافات به نشان ذیشان شجاعت ، غر افتخار یافته اند . بعد طاعت و توزیع و تودیع اخبار حقیقت موصول دست نمودن گردیده است و اندراج آن نامها حتمی بود امید که آن نامها قرار آتی انتشار دهید . امضا : - برهان الدین کشکی)
- عبد الاحد خان یاو روزی رحیمه
 - غلام قادر خان کندک مشر
 - عبدالعلیم خان کندک مشر
 - نیاز محمد خان
 - عبدالهادی خان
 - سیدغریب شاه خان
 - عبدالله خان
 - عبد الغفور خان
 - محمد حسین
 - میر محمد شاه خان
 - محمد اسمعیل خان
 - فتح محمد خان
 - محمد رضا خان
 - محمد محمد خان
 - فتح محمد خان
 - محمد غوث خان
 - محمد عظیم خان
 - علی احمد خان
 - جان محمد خان
 - جان محمد خان
 - ملک محمد خان
 - محمد اکرم خان
 - غلام عمر خان
 - محمد اکبر خان
 - محمد قاسم خان
 - محمد نعیم خان
 - شاه محمد خان
 - میر صاحب جان خان
 - محمد ابراهیم خان
 - عبد القیوم خان
 - فضل احمد خان
 - محمد امین خان
 - محمد ابراهیم خان
 - سید محمد خان
 - عبد القیوم خان
 - غلام رسول خان
 - عبدالحق خان

حوادث خارجه

انگلستان - از چندی بانطرف در انگلستان کان کن ها مخصوصاً کان کنان زغال از سببیکه مالکان کارخانه اجوره شان را کم کرده اند به اعتراضات و مخالفت اقدام نموده دارند شورش عظیمی تولید نمایند و از کار دست بکشند . امیر البحر انگلیس بحکومت پیشنهاد نموده که امسال (۵) عدد کشتی جنگی تازه ساخته شود . در کابینه بر این مسئله اختلاف پیش آمده اکثریت طرفدار کفایت بوده می گویند که اولاً کشتی های تازه ساخته نشود باز هم اگر ساخته میشود فقط امسال (۲) کروزر ساخته شود اما امیر البحر اصرار دارد که امسال ۴ و سال دیگر ۳ کروزر ساخته شود مزدور های کارخانه نساجی به مالکین کارخانه یاد داشت دادند که اگر آنان هم مواجب مزدور ها را کم کردند مزدور ها دست از کاری کشند . لاردر ری دنگ از انگلستان مراجعت کرد . شب ۲۳ جولائی گرمی در لندن بی نهایت شدید شد و رعب آن طرفان سخت هوائی روز کرد و زواله باریدن و برق افتادن گرفت و از آرزاه و برق شیشه های بسیار منازل شکست و بعض جاها سوخت

آلمان - پارلمان برای تحقیق اسباب شکست آلمان در جنگ عمومی یک مجلس تشکیل داده است . درین مجلس تسلیم شده است که شکست حقیقی آلمان در (۱۵) جولائی (۱۹۱۸ م) که محوم بر (ریمس) ناکام ثابت شده بوده است اکثریت مجلس بر این است که ایراد بر کسی وارد نمیشود . حزب اقلیت می گوید که ملامی پروان هندن برگتو (وان لودندورف) وارد است که مقدم الذکر شکست مذکور را راپورت نداد بلکه خود را فاتح نشان داد (روهر) از قشون فرانس و بلجیم تخلیه شده قشون دولین با کال سکون و خاموشی بر آمده رقتند .

راجع به یاد داشت ضمانت که از طرف فرانسه به آلمان داده شده است ، آلمان جواب نرمی داده است بناه علیه اتحادیون مشرت دارند و می گویند آلمان حاضر شده است برای داخل شدن در مجمع اتحاد ملل

(فرانسه) امیر بیلن نام طیاره جوی فرانسه تصمیم گرفته است که از پیرس تا بر شهر از راه و اتنا . قسطنطنیه . حلب . بغداد و بصره مسافه (۳۱۲۵) میل راه را مسلسل مسافرت کند . مقصود او از این مسافرت جمع کردن ریکار و مسافرت مسلسل دنیا است . تا اینوقت متخصصین طیران فرانسه از بیورک تا سن فرانسکو (۲۶۰۵) میل راه را مسلسل طی کرده اند . مهندس مشهور فرانسه (امپروی بریکوت) اعلان نموده است که چنان یک جهاز هوائی می سازد که از پیرس تا بولس ایزس پنج منزل نموده در ۲۴ روز مسافرت می کند و وسط تینی حرکت او (۱۲۵) میل در یک ساعت خواهد بود . شب ۲۳ جولائی باران شدیدی در فرانسه باریده به زراعت مخصوصاً غله های

انگور خسارت وارد آورده . بواسطه طغیان دریای (گرون) یک کارخانه خراب شد و از باعث افتادن برق چند آدم هلاک گردید . (مراکش) امیر عبدالکریم بانسراط ذیل برای مذاکرات صلح حاضر است :

- (۱) بحکومت ریف مثل افغانستان آزادی داده شود و آزادی او را مجمع اتحاد بین المللی تسلیم و محافظه نموده به امیر عبدالکریم لقب امیری بدهد .
- (۲) اهالی ریف سلطان مراکش را به سرداری خویش قبول می کنند .
- (۳) تمام (جباله) شامل حکومت ریف بشود و ساحل شمالی دریای (ورغا) سرحد جنوبی حکومت مذکور قرار داده شود
- (۴) معادن زغال سیوطه ، میابله و جنوب میابله حسب سابق بتصرف اسپانیه باشد .
- (۵) برای ریف اجازه داده شود که یک فوج مستقل نگهدارند میان فرانسه و اسپانیه معاهده انجام یافته و طرفین تهیه دیده بنای محوم را نگهدارند و در قیضا هم قدری عقب نشسته اند مگر می گویند که این عقب نشستن یک حربه جوی است .

روسیه - امسوال شخصی و اثاث الیت (زار) را بالشویکها می فروشند . برای تصفیه تنازع سرحدی روس و پولیندا یک کمیسیون مختلط که از طرف روسها (۵) نفر در آن خواهد بود مقرر گردیده است . از کلهاییکه تازه در سبریا کشف شده است تخمین نموده اند که (۷۰۰۰) خرواز طلا می برآید . در لتویا بر علیه شراب نوشی کوشش فوق العاده جاری است .

بورتگال - چندی قبل در بورتگال از طرف بعض قشون شورش شخصی بر علیه حکومت تولد یافته بعضی جهاز های جنگی هم باشورشی ها همراه گردیدند . اکنون شورش خاموش گشته و حکومت نظامی نافذ گردیده .

چین - سپاه چینی بر دو جهاز برطانوی که به (زنجوئین) می آمد گوله باری کرد . جنرال فیشنگ بوسیان مخالف است با کنفرانس تعیین نرخ و می گوید چین یک مملکت آزاد است تعیین نرخ حق اوست نه اینکه اجانب تشخص نمایند تحریک مقاطعه با اجانب در ترقی است .

مصر - انگلیسها تصمیم گرفته اند که بر ساحل مشرقی نهر سویز مقابل (بورت سعید) یک بندر دیگر بسازند حکومت مصر به دأر کردن یک مکتب برای فن طیاره رانی و نیز فرستادن یک عده محصلین به اروپا برای اکتساب فن مذکور امر داده است . می گویند وزارت حربیه مصر به کار طیاره اهتمام تمام دارد .

(بلغاریه) در ضمن حصاداتیکه در بلغاریه روی داده است بعضی تبیعه (یوگوسلاویا) دستگیر شده بودند این مسئله باعث تنازع دولتین گردیده . لاخر مناقشه شان رفع گردید .

شرکت المان همراه افغانستان

واستفاده های بزرگ آن

دیری نه گذشته است که جراید وطن عزیز ما از يك قرار داد بزرگ شرکت المانی که معلوم میشود فقط برای تجارت افغانستان ایجاد شده است بحث نمودند. ما میدانیم چرا از همه بیشتر المانها موفق شدند که بازار گاهی برای خود در افغانستان پیدا کنند و از بکارت محصولات ارضی و حیوانی واشیای خام افغانستان که با این همه وفرت و کثرت است چنان شرکتی استفاده بکنند که تا بحال هیچ نام و نشان آن در دنیای اروپا هم شنیده نشده باشد تا به آسیا چه رسد؟

تبعات قاصرانه به من معلوم نموده است که شرکت مذکور با آنکه ظاهراً از مواد قرار داد شکایت می کند ولی منتهای درجه خود را سیاق همچو بازار گاه بی رقیب مسعود دیده و به تفتت هر رقم آغاز کرده است و هنوز که آغاز کارش است منافع خیلی زیاد ر بوده است.

تجارت افغانی سبلی اولی خورده اند که برای شان غفلت خود نشان معلوم شده است و چشمهای شان بنای باز شدن مانده است و می بیند که يك اجنبی از ایشان زیاد تر به ملت خود احتیای ارزان تر و خوبتر (واره دار تر) و موزون تر میدهد علی الخصوص حکومت قریباً تمام احتیاجات خود را بواسطه شرکت مذکور تهیه و ايفا مینماید. در حالی که قبل ازین تجارت گاهی اقتدر بلد وجبور نبودند که مال های لازمه حکومت را معامله کنند بلکه مامور خریداری گفته يك شخصی مهم. حتی جنرال قونسلها و سفیرها در هند مشغول همین جزویات می بودند. حالا همین شرکت به تمام دواير مثل عنكبوت تار دوانده تجارت را محیرت انداخته است.

افغانیان که به پهلوی حکومت بادشاه ترقی خواه مدنیت آگاه خود هر روز احتیاجات جدید را مالک می شود هزار نوع اشیا بکار دارد که علاوه از ماشین ها و مواد و غیره که خود حکومت بکار دارد مملکت نیز باید بزند. گئی عصری آموخته گردد در شعبه های دفتری زراعتی تجارتی صنعتی بزرگه ماشین ها کار کرده وقت تفری کانی کند اداره را مستحسن تر بسازد و بذات خود صنایع را یاد بگیرد. و غیره و غیره. لهذا این همه احتیاجات یگانه مرجعی که دارد شرکت مذکور است در مقابل این تنها چیزی که قابل اطمینان است مسئولیت شرکت مذکور است. برای آنکه از ابتدای آمدن خود تاحال وبعد ازین سالانه باید اخراجات و ادحالات خود را موازن داشته باشد. والا در دیگر محصولات تمام تجارت افغانی بدست ایشان می دراید. و تجار ما روز بروز عقب نشسته میروند. و با دلال این شرکت می شوند. در حالی که خود این شرکت هم از قرار مسموعی

مناقشات سیاسی روس وانگلیس

(از جریده جبل المتین)

در مسکو بیان شده که دولت انگلیس مصمم گردیده است که اساس بلشویزی را خراب نماید و این مسئله چندان قابل انکار نیست چه رموز دانان سیاست میدانند که تقاض و ضدیت این دو دولت تنها از مملکت نیست بلکه این دو دولت از يك صدهای سال که برخلاف يك دیگر قسم برداشته اند منافع عظیمه حاصل کرده اند. روسها بیسپانه حمله بر انگلیس قفقاز و حصه از آذربایجان و ماورای بحر خزر و ترکستان تا سرحد افغانستان و کشمیر خود را رسانند. انگلستان هم به بهانه محافظه هندوستان دایره چهار جانب هند را دارد و وسیع مینماید. این ها همه بهانه های سیاسی است برای پیشرفت مقاصد خود. همه دیدیم و قبلاً نزدیک بهم شنیده و قلمه ایران مقرض شده از اطراف این شان ماند با کمال دوسی برادر وارث تقسیم نمودند. هیچ يك از این دو دولت از مخالفت آن دیگر ناراض نیست چه به بهانه همین مخالفت سایر ممالک را بین خود شان تقسیم می نمایند. مملکت امیرا طوریزم یا بلشویزم اسم است مقصد یکیت نهایت طرفه مشی فرق نموده است يك زمان روس مستبد اعظم بود و انگلیس دموکرات اول حالا انگلیس طرف دار ممالک اشرافیت و روس حامی زنجیر خود را جلوگر ساخته. و اقع چه قدر خوب گفته اند!

بهر رنگی که خواهی جامه پوش

من انداز ادایت می شناسم

هر وقت ضدیت و مخالفت این دو کهنه رقیب بالا گرفت باید دانست بخيال شکاری هستند دیگران باید فکر خود را بنمایند خصوصاً ما و افغانستان و ترک که از دو طرف سپر این دو پهلوان طماع واقع گردیده ایم. روس همان روس است انگلیس هم همان نهایت آنکه مردم هو شیار شده اند برای کول زدن بیکدیگر القاطی چند ایجاد گردیده است.

بالجمله در مسکو میگویند دولت انگلیس با حکومت های لهستان و یونانیا و استونیا قرار دادی بسته جبهات جنگی خود را نیز بپایان آورده تا بنا در روسیه را قبضه نماید و نیز میگویند که این خبر قطعی و از راه رسمی تصدیق شده انگلستان هم باواز بلند می گوید که ما نمیتوانیم ببینیم که دولت روس رسماً و علناً در چین و هند و غیره برخلاف ما مشغول بازهای سیاسی باشد ما دست بروی دست نهاده تماشاچی گردیم ما باید یا از در جنگ و ترک تعلقات سیاسی باروس در آیم و یا روسیان ترک تبلیغ و بازی های سیاسی را برخلاف انگلیس بنمایند چون مردود

دلال است غیر از آن تجار دیگر نظارچی هم موجود نیست با ایشان رقابت کنند و ما از رقابت آنها استفاده.

اهالی و حتی دواير رسمیه ما از تجارت امروزه دنیا ذهنیت مخصوص تجار خارج اطلاعاتی ندارند. با اصرار آنها واقف نیستند. لهذا کمال مهارت المانی است که ازین مهارت استفاده را فهمیدند و بردند. اگر در ممالک دیگر هم در مسما تجارتی با همین فعالیت سنجش مشغول باشند پس زود است که به مقصد خود کامیاب شوند همان مقصدی که میگفتند و تا آنکه های جنگ عمومی را از پهلوی تجارت حاصل و ادا خواهیم کرد ولی شاید ممالک دیگر راضی نشوند به موقع دادن رقابت به المان زیرا که آنها مثل افغانستان فیاض (!) نیستند. این فیاضی را بکنند هم قانون شان تجار شان رقابت مکن کرده می توانند که خارجی ها از آنها بسیار چیز برده نمیتواند تجارت آنها تجاری نیستند که تنها پشاور را بشناسند و پس! و رقابت خود را مصروف برادر و عمو و از خود بیست تری کنند. و آنچه را یاد نداشته باشند فائده را محصور در قیمت فروشی به این وطن خود نداشته باشند. و ديك شریکی را در چار راه بشکنانند. و هر چه داشته باشند باند داشته باشد يك دفعه بیاز کشیده و آنقدر مبتدل سازند که قیمت خود را هم بوره ننگ البته وقتیکه تجار يك مملکت باین جهل مبتلا باشند. پس هر شرکت خارجی که بیاید. دامن دامن منفعت ازین مملکت ببرد. معادن را جدا نباتات را جدا. محصولات زراعی را جدا می شناسد قیمت اصلی را میداند درینجا به بیع خالك میخرد و بر اصل مینویسند (کار خانه والا) بقیمت زیاد میفروشد و مال ادخالات را از اصل مینویسند بقیمت ارزان ترین خریدند. آنها بقیمت زیاد می فروشند و بدین صورت از تمام قونسل ها فارغ بوده منافع گرانی حاصل میکنند.

امضاء
يك تاجری که بمهارت و استفاده شرکت آلمان رشک میبرد

سفارت ایران

اداره محترمه جریده امان افغان خواهشمند است مراتب ذیل را برای اطلاع عموم درل جریده درج فرمایید چون کلمه القاب در ایران القا گردیدم است لهذا عنوان اعضاء سفارت از قرار تفصیل ذیل خواهد بود. میرزا نصرالله خان خلعت بری وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه ایران در کابل. غلام حسین خان رسته ایلوال سفارت شاهنشاهی ایران در کابل. میرزا رفیق خان بامداد ترجمان سفارت شاهنشاهی ایران در کابل. دفتر سفارت شاهنشاهی ایران در کابل.

مشکل است ناچار منجر بجنگ انگلیس و روس تواند گردید انگلیس ها میگویند بهتر است که ما مستقیم باروس بجنگیم نسبت بر اینکه روس دیگری را برخلاف ما برانگیخته اورا تأیید نماید. در مسکو میگویند جنگ بین روس وانگلیس حتمی است و روسها با کمال کوشش و سرعت استعداد جنگی می بینند. از طرف دیگر نماینده روس که از مسکو بلندن آمده برای اینکه انگلیسان را بطمع انداخته و با عبارت دیگر غافل سازد شهرت انداخته که ۱۵ میلیون ایره فرمایش ماشین آلات و غیره برای انگلستان آورده است.

ما کار نداریم بدیگران باید کلاه خود را دو دسته گرفته حفظ کنیم در اینکه جنگی در یازود در آریا پیش خواهد آمد هیچ جای شبهه نیست و نیز این مسئله هم که روس وانگلیس دو شاخص این جنگ خواهند بود از مسلمات اولیه است و بعقیده ما نعل و از گون می زنند که میگویند جنگ در بالتیک و شمال شرقی روس خواهد بود و حال اینکه جنگی که پیش آید در جنوب شرقی خواهد آمد و باز از همه بیشتر ایران و افغانستان اسگد کوب این دو پهلوان خواهد گردید این مسئله از ظنیات گذشته به قطعیات سیاسی رسیده است پس بر ماست که باجهدی کامل قدمهای وسیع برای حفظ خود مان برداشته و رنه وقتی ملتت خواهیم شد که تیرمان از شصت رها شده باشد.

کنگره جغرافیائی مصر

کتاب از مصر اطلاع رسیده که کنگره جغرافیائی مصر مدت ۹ روز صبح و عصر جلسات خود را تشکیل داده در یکی از جلسات کنگره از طرف بعضی از اعضاء دول اظهار شده است که قرار بود نقشه ممالک به مقیاس يك ملیون و نیم تهیه گردد و دو نوبت ایران و افغانستان و آسیای صغیر و یکی دو از حکومت های کوچک امریکای جنوبی و نصف سوئد این نقشه را تهیه نموده اند که قابل ملاحظه است و بایستی سایر ممالک نیز نقشه مزبور را اقل تا موقع افتتاح کنگره آتیه در سال ۱۹۲۸ که در لندن منعقد خواهد شد مقدماتش را تهیه نمایند و دولت یونان نیز از کنگره تقاضا نموده است که در سال ۱۹۲۷ این کنگره در بلای تحت یونان تشکیل یابد ضمناً اشعار شده است که اعلیحضرت ملک فواد اول پادشاه مصر عضویت افتخاری انجمن های جغرافیائی انگلیس. فرانسه. ایتالیا. بلژیک. سوئیس. یونانی. یونان را قبول نموده اند در جلسه آخر کنگره خطابه بزبان فرانسه راجع بکنگره مزبور از طرف نماینده دولت ایران قرائت و محل توجه اعضاء کنگره واقع گردیده است.

☆ (اعلان) ☆

از طرف وزارت تجارت



برای توسعه و استحکام مناسبات تجاری موجوده با ممالک شرق، حکومت اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروییه مانند سالهای گذشته بعضی امتیازات و تسهیلات برای تجار ممالک شرق مهیا نموده است در انجمله از تجار دولت علیه افغانستان خواهش وارد شد و ارسال مال التجاره شان در بازار گاه (ترنی نوگروود) که بتاريخ اول اگست الی (۱۵) ستمبر ادامه خواهد داشت نموده شده است.

رفتن تجار افغانی در بازار مذکور و ادخال اوشان مال التجاره پیدایش افغانی را، غیر محدود و بدون اجازه اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروییه بوده است و همچنین بالعکس مال التجاره صنایع صادر از اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروییه را در بازار گاه مذکور خریداری می توانند.

در حین خریداری در بازار مذکور، به تجار افغانی عموم امتیازات تجار داخلی که در اتحاد جماهیر شوروییه جاری هستند داده میشود در حمل و نقل مال التجاره به بازار مذکور و هم در حین مراجعت از راه های ریل و راه بجمری (تصرفه) تخفیف شده معمول میشود امتیازاتی که از طرف حکومت اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروییه به تجار ممالک شرق و از انجمله به تجار افغانی امسال در بازار گاه (ترنی نوگروود) داده خواهد شد، در فهرست مخصوص اطلاعاتی خواهد شد.

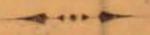
در بازار گاه (ترنی نوگروود) عموم امتیازات که در بازار گاه امساله با کوبه مقرر بوده وسیع تر استعمال خواهد داشت. بنابر اطلاع دهی انجمن بازار گاه (ترنی نوگروود) تمام انواع مال التجاره خام افغانی فروش خوبی پیدا میکند.

حکومت اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروییه که برای تاسیس مناسبات قریب حسب الامکان، از دیدن نمایندگان تجار دولت علیه افغانستان در بازار گاه که بی شک برای استحکام روابط اقتصادی و تمدن بین المللی کار میکند، مسرور خواهد شد. و نیز حکومت اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروییه خواهشمند است که فهرست اشخاص تجار و مال التجاره که رفتن بازار گاه (ترنی نوگروود) را اختیار کنند سفارت مختاری اشتراکیه شوروییه یا قونسلمگری های مذکور ابلاغ شود تا تمام تسهیلات و دستگیری لازمه برای روانه شدن شخص تاجر و اموال شان تا نهایت درجه بجایند.

لهذا با اعلان هذا اطلاع می شود که هر کس از تجار روانه شدن و خواهش بردن مال خود را داشته باشد بوزارت تجارت اطلاع نماید.

☆ اعلان ☆

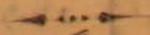
وزارت تجارت



سراجہ ضیطی میرزا محمد یوسف خان واقع بایان چوک کابل را شخصی خواهش خریداری نموده ببلغ یک هزار و هفتاد و دو روپیه قرار قیمت کرده گئی میزان قرار داد کرده که از جمله اصل قیمت مناصفه را بعد از فیصله داو طلب ها و موعده یکماه اعلان بیک دفعه تحویل خزانه مینماید ما بقیه انرا حجت شرعی الی برج حمل سنه ۱۳۰۵ میدهد اگر شخصی خواهش داشته باشد بمدریت محاسبه وزارت تجارت حاضر گردیده داو طلبی نماید.

☆ اعلان ☆

وزارت تجارت



یک در بند طویلہ میرزا محمد حسین خان مستوفی سابق واقع گذر بیکتوت توپچی باغ کابل را شخصی ببلغ سه هزار و نوزده روپیه سی و پنج بیسه خریدار گردیده که یک قسط آنرا فوری تادیه میکند و متباقی آنرا حجت شرعی میدهد که الی دو سال بعد قسط یکی در برج حمل سنه ۱۳۰۵ و دیگر در برج حمل سنه ۱۳۰۶ تادیه نماید اگر کسی برین داو طلبی می کند تا مدت یکماه نظر این اعلان بوزارت تجارت بمدریت محاسبه حاضر شوند.